

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعراء، طه»

با تأکید بر مکتب سورئالیسم

حورا حبیبی^۱؛ دکتر محمد مهدی نادری^۲؛ دکتر ابوالفضل ابراهیمی اوزینه^۳

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های قرآن؛ از جمله «اعراف شعراء و طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم می‌باشد. اگرچه سحر از پایه‌های اعتقادی همه ادیان است؛ اما قرآن ضمن تأکید نگاه ویژه به آن داشته است و در ادبیات عرفانی نیز سحر را از نتایج بارز مجاهده، ریاضت‌های عرفانی و تمرکز بر ضمیر ناخودآگاه سورئالیسمی می‌داند. روش پژوهش حاضر به طریق توصیفی تحلیلی می‌باشد که با ذکر نمونه‌هایی از قرآن و تشابه آن در مکتب سورئالیسم، نتایج نشان می‌دهد ۱. سحر و جادو در آیه‌های قرآن و سورئالیستی زمینه مناسبی برای ادعاپروری محسوب می‌شوند. ۲. فرهنگ سحر و جادو در ادبیات قرآنی و عرفانی ارتباط تنگاتنگ با عوالم غیبی و درونی دارند. هدف پژوهش حاضر نگرش تطبیقی و ارائه طرحی نظامند به سحر و جادو از دیدگاه قرآن و مکتب سورئالیسم است.

واژگان کلیدی: سحر، قرآن، اعراف، شعراء، سورئالیسم.

۱ دکترای تخصصی گروه معارف، دانشکده الهیات - دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان - ایران.

habibihoora@yahoo.com

۲ استادیار گروه معارف، دانشکده الهیات - دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، آزادشهر - ایران.

Naderimm@yahoo.com

۳ دانشیار گروه معارف، دانشکده الهیات - دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، آزادشهر - ایران.

Abolfazlebrahimi39@yahoo.com

۱. مقدمه

پرداختن به مسأله جادو و سحر اولین دریچه‌ای است که انسان به دنیای رمز و راز به‌سوی خود می‌گشاید. مسأله جادو و تأثیر آن بر زندگی بشر از تولد تاریخ تا امروز از نگاه فیلسوفان، دین‌پژوهان، متکلمان و جامعه‌شناسان مغفول نمانده است. باورداشته‌ها و کارکردهای جادویی به عنوان یکی از اولین کوشش‌های بشر در جهت تبیین شناخت بوده است. پژوهش‌گران بر این باورند؛ آنچه که مربوط به محرک‌های درونی و بیرونی آدمی است، بی‌ارتباط با رازها، اسطوره‌ها، نمادها و خرافات نیست؛ بنابراین به ناچار باید جادو را شناخت و گزاره‌های معنادار در آن را تبیین کرد. در سوره‌های مختلفی از قرآن از جمله شعراء، اعراف، طه با صراحت از سحر و ساحر سخن به میان آورده و بر واقعیت و حقیقت آن صحه گذاشته است. شواهد قرآنی زیادی وجود دارد که هر پیامبری را خدا می‌فرستاد به او تهمت سحر می‌زدند (برازنده، ۱۳۸۲: ۱۵۲). شهر بابل از مراکزی بوده که سحر در آن رونق بسیار داشته است و گروه‌های مختلفی (کلدانیان، نبطی‌ها، سریانی‌ها) در آن‌جا به سحر مشغول بودند. قرآن نیز در این خصوص اشاراتی داشته است (بقره/ ۱۰۲) (حاسب، ۱۳۷۲: ۹۸). شواهدی نیز در تاریخ به چشم می‌خورد که پادشاهان قدیم ایران نیز دستی در سحر داشته‌اند (ثابت، ۱۹۹۷: ۱۲۷). در یونان نیز سحر وجود داشته و برخی فلاسفه مشهور یونان راجع به آن سخن گفته‌اند (هاکس، ۱۳۷۷: ۱۲۹). در رئالیسم جادویی بر عامل «شگفتی» تأکید بسیار شده است. در سورئالیسم، هر چند مخاطب را بیشتر شگفت‌زده کنیم، او را به هدف نزدیک‌تر کرده‌ایم. معمولاً در تفکرات سورئالیستی برای رسیدن به یک منظور از تکنیک‌های مختلفی خصوصاً «مبالغه» زیاد استفاده می‌شده است. سورئالیست‌ها معتقدند نوشتن مطالب، انجام دادن اعمال که قابل باور باشد، به مهارت بسیار زیادی نیاز دارد. پژوهش حاضر درصدد تبیین ادبیات قرآنی و ادبیات سورئالیستی در اعتقاد به جادو است. اگرچه هر دو معتقد به شکستن قواعد پیشین جوامع بوده‌اند.

۱-۱. اهمیت و ضرورت

بسیاری از پژوهش‌گران در حوزه مطالعات دینی بر این باورند، باورداشته‌ها و عملکردهای جادویی را باید به عنوان کوششی در جهت تبیین شناخت و نظارت بر

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعراء، طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم واقعیت تفسیر کرد. شاید ما انسان‌ها به کاربرد بسیاری از مفاهیم در حوزه جادو معتقد نباشیم و یا علوم غریبه را نتوانیم به عنوان علم بپذیریم؛ اما اعتقاد به این مسأله در مطالعات تاریخی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. به همین دلیل هیچ قومی را از مطالعه در این حوزه نمی‌توان مستثنی کرد. علت تأثیرگذاری جادو این است که گونه‌هایی از آن نقش دینی به خود گرفته‌اند؛ اگرچه معمولاً در الهیات مدرن بین جادو و دین تمایز قائل شده‌اند؛ اما واقعیت این است که هرگاه جادو زیرساخت و حیانی پیدا کند به عبارتی با کمک خداوند انجام شود؛ معمولاً ادیان، آن را پذیرفته‌اند و کمتر فعل جادو را مورد نکوهش قرار داده‌اند. آنچه محل نکوهش است، تمسک به شیطان و ابلیس و جنود آن است. علت این‌که «خرق عادت» در ادبیات دینی، عرفانی و سورئالیستی مورد توجه واقع شده، این است که از نتایج مسلم مجاهده و ریاضت است که آن نیز به ضمیر ناخودآگاه بشر برمی‌گردد. ضمیری که هم در قرآن و هم در تفکرات سورئالیستی به آن تأکید شده است. پژوهش حاضر درصدد بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های اعراف، شعراء، طه با تأکید بر مکتب سورئالیسم است. معمولاً تصاویر مفاهیم در سورئالیسم خصلتی متناقض دارند. مطالعه در حوزه تفکر سورئالیستی مانند قرآن به خواننده این کمک را می‌کند که بتواند مرزهای واقعیت را در ذهن خود گسترش دهد. شاید بتوان گفت رئالیسم جادویی، محصول رویارویی تمدن غرب و سنت‌های کشورهای جهان سوم است؛ چون در تفکرات سورئالیستی تخیل اساس است. اسطوره‌ها، رمزها، خرافات و رازها معمولاً بهترین قلمرو برای فعالیت در حیطه تخیل بشری است.

۱-۲. پیشینه تحقیق

آثار چندانی در قالب کتاب و مقاله در موضوع مذکور به چشم نمی‌خورد. اهم این آثار را می‌توان به شرح ذیل نام برد:

عبدالله زاده و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله خود تحت عنوان «بررسی تأثیر سحر بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم از دیدگاه مفسرین فریقین» به نقد و بررسی دو دیدگاه درباره

سحرالنبی پرداخته‌اند. دیدگاه اول: دیدگاهی که همانند مفسران شیعه، سحرالنبی را مخالف قرآن و عصمت دانسته و دیدگاه دوم: که تأثیر سحر را بر پیامبر می‌پذیرند.

محامی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله خود تحت عنوان «تعلیم و تعلّم سحر از منظر فقیهان»، معتقدند تعلیم و تعلّم سحر، حرمت است؛ مگر سحر در مقام دفاع و ابطال. در صورت اثبات حرمت فقهی، تعلیم و تعلّم سحر با قیود خاص، توسعه محتوای علم و فن بدون ملاحظه محدوده مجاز شرعی، ممنوع و موجب فساد است.

رضایی (۱۳۸۹)، در مقاله خود با عنوان «سحر از دیدگاه قرآن و علم» به بررسی سحر از منظر علوم جدید پرداخته‌اند. آن‌گاه تفاوت‌های سحر با معجزه و کرامت بررسی می‌شود؛ سپس دیدگاه قرآن در مورد سحر بیان می‌شود.

لواسانی (۱۳۸۸)، در مقاله خود با عنوان «نگرشی بر جادو و جادوگری در مردم‌شناسی» می‌گوید: موضوع جادو ذهن روان‌کاوان را به خود مشغول کرده است. او معتقد است فروید نیز طرح تطوری پیشنهادی فریزر را بازخوانی نموده و مطابق این طرح تمامی جوامع از مراحل جادو، دین و علم به ترتیب گذر کرده‌اند.

دماوندی (۲۰۱۳)، در کتاب خود تحت عنوان «جادو در اقوام، ادیان و بازتاب آن در ادب فارسی» بیان کرده که بر خلاف تصور مباحث جادویی در ادبیات غرب چیز جدیدی نبود.

وثوقی و خواجه زاده (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی جادو در سبک‌های زندگی با تأکید بر گسترش حوزه خصوصی» به بررسی سبک‌های نوین زندگی در شهری خاص به نام دزفول پرداخته‌اند. مقاله حاکی از آن است که یکی از سبک‌های نوین زندگی که در دزفول در حال نضج است، زندگی با عنصر جادو است. این تحقیق بر اساس روش کیفی انجام شده است.

پریزاد و صهبا (۱۳۹۵). در مقاله‌ای تحت عنوان «بازتاب اندیشه اسطوره‌ای جادو در غزلیات مولوی» بیان کرده‌اند که: اساطیر به علت کارکرد و نقش عمیقی در زندگی بشر و تحولات روانی، ذهنی خاصی را به دنبال داشته‌اند. جادو نماد داستان‌های تمثیلی، ادبیات عامه و آیین‌ها و مراسم محلی که نقش مهمی در انتقال اسطوره‌ها به دوره‌های بعد دارد.

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعرا، طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم خلعتبری رحمانی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی چیستی و ماهیت سحر» عنوان کرده است: هنگامی که بازار سحر و جادو در سرزمین بابل به اوج رسیده بود و جادوگران نابکار از این رهگذر به آزار و اذیت مردم آن سامان دست درازی می‌کردند، گویی مردم چشم امید به درگاه خدا دوخته و گشایش کار خود را یعنی نابودی ساحران نابکار را از خداوند متعال خواستار شدند و خداوند رحیم در رحمتش را گشود و دو فرشته از بارگاه پر عظمت خود به نام‌های هاروت و ماروت به صورت دو انسان مأمور به تعلیم روش‌های خنثی‌سازی و باطل ساختن سحر و جادو کرد و تأکید نمود که این تعلیمات مایهٔ آزمایش است، مبدا کسی سوء استفاده کند که اگر کند به خدا کفر ورزیده است و این‌که خدا در قرآن بر سحر صحه گذاشته است؛ ولیکن نباید ساحت مقدس پیامبران ابراهیم و سلیمان (علیهم السلام) را متهم به جادوگری کرد.

شریفی نسب و طیب حسینی (۱۳۹۴). در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی مشرکان از ایراد اتهام سحر به معجزات پیامبر اکرم (ص) و تبیین منشاء آن» به بررسی واژه سحر در فرهنگ عرب و با ارزیابی دیدگاه مفسران در این زمینه، به این نتیجه می‌رسد که مقصود مشرکان از اتهام سحر، ناشناخته و مرموز، عنوان کردن منشأ و اسباب قرآن کریم و معجزات پیامبر اکرم (ص) بوده است.

۲. بحث

۲-۱. سحر و جادوگری

واژه فارسی جادو به دو معنی «ساحر و جادوگر» و «سحر و جادوگری» بازمانده فارسی میانه (Jadug) است که تنها معنی آن جادوگر ساحر بوده است. واژه فارسی میانه در گذشتهٔ دور به صورت (Jatuk) به زبان ارمنی راه یافت (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ذیل واژه جادو). جادو یا سحر مجموعهٔ باورها، اعمال، فنون و روش‌هایی که به کارگیری آن‌ها برای کنترل یا دگرگون کردن شرایط فرا طبیعی، طبیعی یا محیط زیست و رسیدن به مقاصد نیک یا بد مؤثر و سودمند، پنداشته می‌شده است در این امر جادوگر یا از توان روحی و ارادهٔ شخصی خود یا از برخی ابزارها وسایل و اوراد، افسون‌ها، تعویذات و ... -

برای رام کردن نیروهای فراطبیعی به کار برده است تا طبع، منش و میل آن‌ها را مطابق با خواسته و نیازها بگرداند و بر پدیده‌های طبیعی، اندیشه، احساس و فرجام انسان، امور جاری زندگی تأثیر بگذارد. بسیاری از واژه‌هایی که در زبان‌های اروپایی به معنی جادو یا جادوگری به کار گرفته شده از واژه‌های یونانی (Mageia) به معنای فن جادوگری است که برگرفته از کلمه Magoi (مغان) اند که نام قبیله‌ای از مادها بوده است. این نام برای روحانیون دین کهن ایرانی به کار گرفته شد که مغان احتمالاً به دلیل برگزاری آیین‌هایی که از نظر یونانیان عجیب بود، جادوگر تصور می‌شدند. مغان دارای قدرت شگفت‌انگیزی بودند، رمز و راز و ستارگان را برای پیش‌گویی وقایع بزرگ همچون تولد حضرت مسیح (ع) می‌دانستند و با علوم خفیه (۲) آشنا بودند (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ذیل واژه سحر) و نیز سحر را به معنای هنرنمایی در نظم یا نثر و کار عجیب و حیرت‌انگیز و فریب دادن افراد با کاری که شگفت‌انگیز است، دانسته‌اند. (فرهنگ عمید ذیل کلمه جادو). سحر به معنای افسون و جادو و هر امری که سبب و حقیقت آن دانسته نشود و جنبه نیرنگ و فریب داشته باشد، به کار رفته است (فرهنگ لاروس ذیل واژه سحر). اصل سحر تبدیل چیزی از حقیقت خود به غیر آن است و به عمل ساحر از این جهت که باطل را به صورت حق نشان می‌دهد و چیزی در میان افراد، خلاف حقیقت آن نمایان می‌گردد، سحر عنوان می‌شود (فرهنگ معین ذیل واژه سحر). سحر تصرفی است که در چشم بیننده، واقع می‌گردد تا گمان نماید کار همان‌طور است که می‌بیند، حال آن‌که در باطن چیز دیگری نیست؛ یعنی عملی خفی است که شیء را بر خلاف صورت و جنس آن به نظاره می‌آورد، البته در ظاهر، نه در حقیقت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۹۵). برخی بر این باورند؛ واژه‌ای که به عدم مشاهده حق دلالت دارد، سحر است و اگر انسان بخواهد در مسیر رشد خود به رستگاری برسد، لازم است آن را به خوبی بشناسد و از بروز آن جلوگیری کند و در صورت بروز، آن را از خود دور کند، جامعه را نسبت به خطر وجود آن آگاه کرده و با این مانع رشد، به شدت مقابله کند. در معانی سحر گفته شده که سحر کلمه یا نوشته یا ورد یا قسم است که به سبب آن ضرری به غیر می‌رسد؛ مانند آسیب بین روابط زوجین و نمونه دیگر سحر استخدام ملائکه و

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعرا، طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم جن و شیاطین در اطلاع یافتن به امور مخفی و درمان مصیبت دیده و احضار ارواح به بدن زن و بچه است (موسوی قزوینی، ۱۴۲۴: ۲۹۴). سحر در اصل، برگرداندن و نشان دادن واقع و حق به صورت خلاف است، همانند تصرف در دید ظاهری اشخاص یا تأثیر بر ذهن و قلب انسان‌ها و تصرف در ادراکات. درجه اعتبار این اعمال از معجزه و کرامت که خداوند به بندگان صالح و برگزیده خود عطا می‌کند، تفاوت دارد و بسیار پایین‌تر و محدودتر می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۸۸: ۶۸).

۲-۲. حکم سحر از منظر قرآن و احادیث

در میان ادیان آسمانی، اسلام بیشترین توجه را به بحث جادو داشته و قرآن رواج جادوگری توسط شیاطین را از زمان حضرت سلیمان می‌داند. چنان‌که شیاطین برای اختلاف و جدایی انداختن و بروز انواع فتنه‌ها به مردم جادو را آموزش می‌دادند (بقره/ ۱۰۲). خداوند دو ملک به نام‌های هاروت و ماروت را مأمور ساخت تا راه مقابله با جادو را به مردم آموزش دهند. پیروان اسلام، به وجود جادو با معنای خاصی اعتقاد دارند و انجام آن را منع و نهی می‌کنند (هدایت، ۱۳۲۶: ۷۶). دین اسلام، مردم را از آموختن سحر و مراجعه به افرادی که جادو می‌کنند، به شدت بر حذر داشته و وجود سحر را امری واقعی دانسته است و انکار و خرافی دانستن آن چندان عقلانی به نظر نمی‌رسد و با توجه به تفاوت خرافه و افسانه در این خصوص قرآن می‌فرماید «وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ» (یونس / ۷۶)؛ زیرا ساحران در صدد تحریف حقایق و متزلزل ساختن پایه عقاید افراد ساده‌ذهن می‌شوند (کریشنان، ۱۳۴۴: ۱۲۵). این حکم مانند بسیاری از احکام دیگر موارد استثناء نیز دارد؛ از جمله فراگرفتن سحر برای ابطال آن و یا برای از بین بردن اثر آن در مورد کسانی که از آن آسیب دیده‌اند (راغب الاصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۵۶). در احادیثی که از پیشوایان بزرگ اسلام به ما رسیده است، سحر به شدت مذمت و از آن نهی شده است. پس از نظر اسلام، انجام، تعلیم و تکسب به سحر، ممنوع و حرام و از گناهان کبیره است و در بعضی از روایات، تعلیم و تعلم سحر را موجب کفر شمرده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۱: ۱۶۷). موارد جواز سحر از دیدگاه اسلام عبارتند از: (۱) سحر برای از بین

بردن آثار کسانی که از سحر آسیب دیده‌اند (۲) برای باطل کردن ادعای مدعیان دروغین نبوت (۳) یادگرفتن به منظور از بین بردن سحر ساحران (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۵). هر چند ما مطمئن به اجماع علما در این خصوص نیستیم؛ ولی ادعای ضروری دین از چیزهایی است که ما مطمئن به حرمت این عمل می‌شویم (انصاری، ۱۳۷۳: ۵۴۵). واژه سحر هم به تعبیر عوام به امور شگفت‌انگیزی که علت و ریشه آن برایشان مشخص نیست، اختصاص دارد مثلاً آیات ۱۴ و ۱۵ سوره مبارکه حجر و آیه ۱۰۱، سوره مبارکه اسراء به عنوان موانعی در جهت مشاهده حقیقت و سببی که در مقابله با واقع و حق باشد، عنوان می‌گردد. سوره مبارکه مؤمنون آیات ۸۸-۹۰ در واقع سحر را در قالب‌های مختلف خود نشان می‌دهد و - هر نوع ندیدن حق در هر شکلی را سحر می‌شمارد. با بررسی آیات یک تا شش سوره ناس بر می‌آید که سحر بر جهل و عدم آگاهی بنا شده است و وسوسه ابزار اصلی سحر در مسیر زینت دادن باطل و نمایاندن آن به جای حق است.

۲-۳. (سوره اعراف)

اعراف از کلمه «عرف» ریشه گرفته است و عرف به معنی جایگاه مرتفع و بلند است. ویژگی‌های سوره یکی از محکّمات در این سوره است. داستان اعراف و اصحاب و داستان حضرت آدم و ابلیس و سرگذشت آموزنده ملل و اقوام گذشته، در این سوره است. **موضوعات مطرح شده** در این سوره عبارتند از: **دعوت به توبه و ندامت - قرآن شناسی - عهد و پیمان خدا با انسان - تدبیر و تفکر در جهان - پاکیزگی و نظافت (مصطفوی، ۱۳۸۸: ۱۲۳).**

۲-۴. فضیلت قرائت و خواص سوره

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هرکس سوره اعراف را بخواند، خداوند میان او و شیطان پرده‌ای قرار می‌دهد و روز قیامت، حضرت آدم علیه‌السلام شفیع او خواهد بود. حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمود: هرکس سوره اعراف را در هر ماه بخواند، در روز قیامت از کسانی خواهد بود که نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعرا، طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم می‌شوند. اگر در هر جمعه بخواند در روز قیامت از کسانی می‌باشد که بدون حساب به بهشت می‌رود (خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۱۷۹)؛ و نیز فرمودند: در این سوره آیات محکمه‌ای است، قرائت و تلاوت و قیام به آن‌ها را فراموش نکنید؛ زیرا این‌ها روز رستاخیز در پیشگاه خدا برای کسانی که آن‌ها را خوانده‌اند، گواهی می‌دهند (همان: ۱۸۰).

اعراف و نام دیگرش المص هفتمین سوره قرآن است که مکی و دارای ۲۰۶ آیه می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۸۸: ۱۲۳). در فضیلت این سوره مبارکه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: هرکس سوره اعراف را قرائت کند، خداوند بین او و ابلیس پرده‌ای بیفکند تا از شر ابلیس در امان بماند، او در زمره کسانی است که حضرت آدم علیه‌السلام در بهشت او را زیارت می‌کند و در بهشت به تعداد همه یهودیان و مسیحیان به او درجات داده خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۸۹).

امام صادق علیه‌السلام فرموده است: هرکه این سوره را در هر ماه یک بار بخواند، در روز قیامت از جمله کسانی است که هیچ خوف و ترسی و هیچ حزن و اندوهی ندارد و هرکس در روزهای جمعه این سوره را بخواند، در زمره کسانی است که خداوند از آن‌ها حسابرسی نمی‌کند، بدانید در آن آیات محکمی است، پس آن را فرو نگذارید؛ زیرا آن‌ها در روز قیامت به سود قاریان خود شهادت می‌دهند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۷۵). در روایتی دیگر از ایشان رسیده است: خواننده سوره اعراف در روز قیامت از کسانی است که ایمن است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تالیفات باجماع علوم انسانی

۲-۵. جایگاه سحر در سوره اعراف

«قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ» (اعراف / ۱۰۹) «سران قوم فرعون گفتند: بی‌شک، این مرد ساحری داناست» عده‌ای گفته‌اند: که این سخن فرعون و اشراف قوم اوست که از باب مشورت با هم در کار موسی مطرح کرده‌اند. لذا در سوره شعرا فرعون به اشراف قومش می‌گوید که موسی ساحر است؛ ولی در این سوره به اشراف و سران قوم فرعون اسناد داده شده است. «يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ» (اعراف / ۱۱۲) «تا هر ساحر دانایی را نزد تو آرند.» «يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ» تا همه جادوگران توانا و ماهر را

به نزد تو بیاورند. گویی رأی و نظر همه آنان بر این اتفاق و اجماع داشته است. واژه إرجاء به معنی به تأخیر انداختن است؛ یعنی کار و جریان او را به تأخیر بینداز. «وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ» (اعراف / ۱۱۳) «و ساحران نزد فرعون آمدند و گفتند: آیا اگر ما پیروز شویم برای ما پاداشی خواهد بود»، «وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ» پس از این که فرعون لشکریان و مأموران خود را به دنبال جادوگران فرستاد. جادوگران نزد فرعون آمدند و گفتند: اگر ما پیروز شویم پاداش مهمی خواهیم داشت، قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ» (اعراف / ۱۱۶) «گفت: «شما بیفکنید.» و چون افکندند، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان آوردند.» قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ» موسی به جهت احترام و از سر چشم پوشی و بلندنظری و یا کم‌اهمیتی و شکست ایشان و اطمینان به خودش، به ایشان گفت بیندازید هنگامی که بینداختند با ترفند و شگرد مردم را چشم‌بندی کردند. به این صورت که در خیال مردم حقیقت را برخلاف واقع نمایش دادند. «وَاسْتَرْهَبُوهُمْ» مردم را به ترس و هراس شدید افکندند؛ گویی از مردم هراس می‌خواستند. «وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ» و جادویی که در نوع خود بزرگ بود از خود نشان دادند. روایت شده است که جادوگران ریسمان‌های ضخیم را افکندند و درخت‌های طویل و بزرگی همچون مار بودند که دره را پر کرده و از فراوانی مارها برخی روی برخی دیگر افتاده بودند. «وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ» (اعراف / ۱۲۰) «و ساحران به سجده درافتادند.» «وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ» موسی جادوگران را سرافکنده کرد و جادوگران سر تسلیم در پیشگاه موسی که پیشگاه حق است فرود آوردند؛ و این خود بیان‌گر این است که حق بر ایشان غالب و آنان را به کرنش و سجود ناچار کرد. به گونه‌ای که برای ایشان هیچ خویشتن‌داری نماند یا این که خداوند سجده بردن ساحران از موسی را به ایشان الهام نمود. «وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتَانَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ» (اعراف / ۱۳۲) «و گفتند: هرگونه پدیده شگرفی که به وسیله آن ما را افسون کنی برای ما بیاوری، ما به

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعرا، طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم
تو ایمان آورنده نیستیم.» «لِتَسْحَرَنَّ بِهَا» تا ما را بدان جادو کنی و ما را چشم‌بندی کنی و
آن را شبیه به معجزه به ما بنماید.

۲-۶. سوره شعراء

فضیلت قرائت و خواص سوره

سوره شعرا و نام دیگرش طسم بیست و ششمین سوره قرآن است که مکی و ۲۱۶ آیه دارد. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده: هر که سوره شعرا را قرائت کند، خداوند به تعداد تمام کسانی که حضرت نوح همچنین پیامبران الهی هود، شعیب، صالح و ابراهیم را که تصدیق یا تکذیب کرده‌اند و نیز به تعداد تکذیب‌کنندگان عیسی علیهم السلام و تصدیق‌کنندگان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ده حسنه به او عطا خواهد کرد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۱۸). امام صادق علیه السلام فرموده است: اگر کسی سوره‌های طواسین (سوره‌هایی که با طسم و طس آغاز شده باشد) را در شب جمعه بخواند؛ از جمله اولیا الهی است که در جوار الهی خواهد بود و در دنیا هیچ ناراحتی به او نخواهد رسید و خداوند در آخرت چندان از نعمت‌های بهشتی به او عطا می‌کند که راضی شود و خدا بیش از حد رضایت او به وی عطا خواهد کرد و او را با صد همسر از حوریان بهشتی تزویج می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۱۷). همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده: کسی که سوره شعرا را قرائت نماید به تعداد همه مردان و زنان باایمان به او ده حسنه عنایت می‌کند و درحالی از قبرش خارج می‌شود که زبانش به ذکر لا اله الا الله مترنم است و هر کس صبح‌گاه این سوره را بخواند؛ مانند آن است که همه کتاب‌های آسمانی را خوانده است (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۳۱۵).

شان نزول

معروف در میان مفسران این است که تمام آیات ۲۲۷ گانه این سوره جز چهار آیه آخر آن، در مکه نازل شده است. لحن آیات این سوره نیز با دیگر سوره‌های مکی کاملاً هماهنگ است و می‌دانیم در سوره‌های مکی که در آغاز دعوت اسلام نازل گردید، بیشتر روی اصول اعتقادی، توحید و معاد و دعوت پیامبران خدا و اهمیت قرآن تکیه می‌شد و

تقریباً تمام بحث‌های سوره شعرا پیرامون همین مسائل دور می‌زند (مصطفوی، ۱۳۸۸: ۳۱۸). در حقیقت می‌توان محتوای این سوره را در چند بخش خلاصه کرد:

بخش اول، طلیعه سوره است که از حروف مقطعه و سپس عظمت مقام قرآن و تسلی خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر پافشاری و خیره‌سری مشرکان سخن می‌گوید و اشاره‌ای به بعضی از نشانه‌های توحید و صفات خدا دارد.

بخش دوم فرازهایی از سرگذشت هفت پیامبر بزرگ و مبارزات آن‌ها را با قومشان و لجاجت‌ها و خیره‌سری‌های آنان را در برابر این پیامبران بازگو می‌کند؛ که بعضی مانند داستان موسی و فرعون مفصل‌تر و بعضی دیگر مانند سرگذشت ابراهیم و نوح و هود و صالح و لوط و شعیب کوتاه‌تر است. مخصوصاً در این بخش، اشاره به منطبق ضعیف و تعصب‌آمیز مشرکان در هر عصر و زمان در برابر پیامبران الهی شده است که شباهت زیادی با منطبق مشرکان عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم داشته و این مایه تسلی خاطر برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان اندک نخستین بود که بدانند تاریخ از این‌گونه افراد و منطبق‌ها بسیار به خاطر دارد و ضعف و سستی به خود راه ندهند و نیز مخصوصاً روی عذاب دردناک این اقوام و بلاهای وحشتناکی که بر آن‌ها فرود آمد، تکیه شده است که خود تهدید مؤثری برای مخالفان پیامبر اسلام در آن شرایط است.

بخش سوم که در حقیقت جنبه نتیجه‌گیری از بخش‌های گذشته دارد، پیرامون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و عظمت قرآن و تکذیب مشرکان و دستوراتی به آن حضرت در زمینه روش دعوت و چگونگی برخورد با مؤمنان سخن می‌گوید و سوره را با بشارت به مؤمنان صالح و تهدید شدید ستمگران پایان می‌دهد. این نکته نیز قابل توجه است که این سوره از نظر تعداد آیات بعد از سوره بقره بر همه سوره‌های قرآن فزونی دارد، هرچند از نظر تعداد کلمات چنین نیست، بلکه از بسیاری از آنان کوتاه‌تر است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۶۵).

۲-۷. جایگاه سحر در سوره شعراء

«وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ» مأمورانی که جادوگران را جمع‌آوری و در دربار حاضر کنند. «يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ» (شعرا/ ۳۷) «تا هر ساحر ماهری را نزد تو

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعرا، طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم
بیاورند.» «يَا تُوكَّ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ» جادوگر دانا و ماهری که در این هنر جادوگری بر
موسی برتری داشته باشد و عده‌ای آن را «بکلّ ساحر» خوانده‌اند. «فَجَمَعَ السَّحْرَةَ لِمِيقَاتِ
يَوْمٍ مَّعْلُومٍ» (شعراء / ۳۸) «پس ساحران برای موعدی روزی معلوم گردآوری شدند.» «لَعَلَّنَا
نَتَّبِعُ السَّحْرَةَ إِنْ كَانُوا هُمْ الْعَالِيِينَ» (شعراء / ۴۰) «بدین امید که اگر ساحران غالب شدند از
آنان پیروی کنیم»، شاید از آیین و دین جادوگران پیروی کنیم اگر آنان بر موسی پیروز
شوند و واژه (لعلّ) که برای ترجیحی است و به پیروی به اعتبار غلبه است؛ یعنی پیروی را
معلق کردند به پیروزی که مقتضی برای پیروی و گفتند اگر جادوگران بر موسی پیروز
شوند از دین آنان پیروی کنیم. هدف آنان پیروی از جادوگران نبود و هدف اصلی پیروی
نکردن از موسی بود و سخن را به صورت کنایه ادا کرده‌اند؛ زیرا اگر از آنان پیروی
می‌کردند، دیگر از موسی پیروی نمی‌کردند. «فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَأُنْجِرُوا
إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْعَالِيِينَ» (شعراء / ۴۱) «و چون ساحران پیش فرعون آمدند، گفتند: آیا اگر ما
غالب آییم واقعاً برای ما مزدی خواهد بود»، فرعون بر خود واجب گردانید که به آنان
مزد دهد و به آنان وعده داد اگر بر موسی غالب شوند، در نزد او مقرب خواهند بود و
جایگاهی ویژه خواهند داشت، از آن روی که «أئِنَّا لَأُنْجِرُوا» در این صورت (اثن) بر
مقتضی جواب و جزاء است؛ یعنی اگر غالب شویم، پاداش می‌خواهیم. برخی از قاریان
«نعم» را به کسر خوانده‌اند که هر دو قرائت بر پایه دو لهجه از لهجه‌های عرب است.
«فَالْقِيَّ السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ» (شعراء / ۴۶) «در نتیجه، ساحران به حالت سجده درافتادند.»
«فَالْقِيَّ السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ»؛ زیرا جادوگران می‌دانستند که کسی همچو موسی جادوگر
نیست، معجزه‌اش جادو نیست و کسی مانند او اقدام به جادو نمی‌کند و خود سجده
بردن ساحران و تسلیم شدنشان در مقابل حضرت موسی (ع) دلیل بر این است که نهایت
سحر فریب و ظاهرسازی است و چیزی را در خیال شما می‌آورد که حقیقت ندارد و
این که تبخّر و آگاهی وسیع داشتن در هر دانشی سودمند است و این‌که به‌جای
(خروالسحره) فرمود (فالقی السحره) به‌جای (خرو) (القاء) آورد تا با ماقبلش همگون
گردد و دلالت می‌کند بر این‌که ساحران این رخداد بزرگ و حادثه شگفت را دیدند و

نتوانستند جلو خود را بگیرند و خویشتن‌داری بکنند «قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ» (شعراء / ۱۸۵) گفتند: «تو واقعاً از افسون شدگانی».

۲-۸. سوره طه

نام سوره یکی از حروف رمزی قرآن است. معانی نام سوره الکلیم (تکلم کننده) که از القاب حضرت موسی (ع) است.

ویژگی‌های سوره

داستان مشروح حضرت موسی (ع) - ماجرای ساحران - داستان گوساله سامری و ماجرای غرق شدن فرعون. خداوند سوره‌های طه و یس را دو هزار سال پیش از خلقت آدم قرائت نمود و هنگامی که فرشتگان قرآن را شنیدند. گفتند: خوشا به امتی که قرآن بر آنان نازل شود و خوشا به سینه‌هایی که قرآن را حمل کنند و خوشا به زبان‌هایی که به قرآن تکلم کنند. بهشتیان جز این دو سوره، سوره‌های دیگری از قرآن را تلاوت نمی‌کنند (خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۲۸۹).

اهم موضوعات سوره

عظمت قرآن و حقایق آن، مناجات حضرت موسی (ع)، اعتدال و میانه‌روی در همه چیز، سرگذشت آدم و حوا، مسائل توحید، شفاعت، ارسال رسل و تنزیل کتاب آسمانی.

فضیلت قرائت و خواص سوره

طه، بیستمین سوره قرآن است که مکی و ۱۳۵ آیه دارد. در فضیلت این سوره از پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و سلم نقل شده: به کسی که سوره طه را قرائت کند، در روز قیامت ثواب همه مهاجران و انصار اعطا می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۸: ۱۷۶). همچنین از ایشان روایت شده که فرمودند: خداوند تعالی دو هزار سال پیش از آفرینش حضرت آدم علیه‌السلام، سوره یس و طه را قرائت فرمود، هنگامی که فرشتگان الهی آن را شنیدند، گفتند: خوشا به حال امتی که این سوره‌ها بر آنها نازل شده است و خوشا به حال کسانی که این سوره‌ها را درون خود جای داده‌اند و خوشا به حال کسانی که زبانشان به تلاوت آیت سوره‌ها مترنم است (فخر رازی، بی تا: ۲۱۵). از اسحق بن عمار روایت شده که حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: خواندن سوره طه را ترک نکنید؛

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعرا، طه» با تأکید بر مکتب سورنالیسم
زیرا خداوند آن را دوست می‌دارد و هرکس آن را بخواند او را نیز دوست خواهد داشت
و هرکه بخواندن آن مداومت کند خداوند در روز قیامت نامه عملش را به دست راست
او دهد و از کردار او در اسلام حساب سخت نکشد و آن‌قدر به او پاداش عطا فرماید تا
خشنود شود (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۳۱۵).

شان نزول

سوره طه به گفته همه مفسران در مکه نازل شده است، محتوای آن نیز همانند سایر
سوره‌های مکی است که بیشتر سخن از مبدأ و معاد می‌گوید، نتایج توحید و بدبختی‌های
شرک را بر می‌شمرد. در بخش اول: این سوره اشاره کوتاهی به عظمت قرآن و بخشی از
صفات جلال و جمال پروردگار است. بخش دوم: که بیش از هشتاد آیه را در بر
می‌گیرد، از داستان موسی علیه‌السلام سخن می‌گوید، از آن زمان که به نبوت مبعوث شد
و سپس با فرعون جبار به مبارزه برخاست و پس از درگیری‌های فراوان او با دستگاه
فرعونیان و مبارزه با ساحران و ایمان آوردن آن‌ها خداوند به صورت اعجاز‌آمیز فرعون و
فرعونیان را در دریا غرق کرد و موسی و مؤمنان را رهایی بخشید. بعد ماجرای
گوساله‌پرستی بنی اسرائیل و درگیری هارون و موسی را با آن‌ها بیان می‌کند. در سومین
بخش: اشاراتی به مسئله معاد کرده و قسمتی از خصوصیات رستاخیز را برشمرده است.
در بخش چهارم: سخن از قرآن و عظمت آن است. در بخش پنجم: سرگذشت آدم و
حوا را در بهشت و سپس ماجرای وسوسه ابلیس و سرانجام هبوط آن‌ها را در زمین،
توصیف می‌کند و بالاخره در آخرین قسمت، نصیحت و اندرزهای بیدارکننده‌ای، برای
همه مؤمنان بیان می‌دارد که روی سخن در بسیاری از آن به پیامبر اسلام صلی الله علیه و
آله و سلم است (خرمشاهی، ۱۳۹۳: ۳۱۷).

۲-۹. جایگاه سحر در سوره طه

«قَالَ أَجِئْنَا لِنُخْرِجَنَّكَ مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى» (طه / ۵۷) «گفت: ای موسی!
ای آمده‌ای که ما را با این جادوی خویش از سرزمین خودمان بیرون کنی»، «مِنْ
أَرْضِنَا» مراد سرزمین مصر است «بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى» تعلل و سرگشتگی او را

می‌رساند و دلیل بر این است که فرعون می‌دانست که موسی (ع) حق است، به همین خاطر از او می‌ترسید؛ زیرا در غیر این صورت بر او پوشیده نبود که یک جادوگر نمی‌تواند پادشاهی مانند او را از سرزمینش بیرون کند.

«فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ فَأَجْعَلُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوَّى» (طه / ۵۸) «یقیناً ما هم جادویی هم‌سان جادوی تو را برای تو می‌آوریم، موعد آن را معین کن؛ موعدی که نه ما و نه تو از آن تخلف نکنیم و وعده‌گاه مکان صاف و مسطح و فاصله آن نسبت به همگان یکسان باشد.» «فَلَنَأْتِيَنَّكَ» جادویی مانند جادوی تو «فَأَجْعَلُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا» میان ما و خودت در مکانی مقبول هر دو طرف وعده‌ای بگذار و دلیل این‌که موعد را مصدر و به معنای «وعد/ وعده» بدانیم. «قَالُوا إِنْ هَذَا لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُؤْتَلَى» (طه / ۶۳) «گفتند: این دو نفر قطعاً جادوگرند. آنان می‌خواهند شما را با جادوی خود از سرزمین‌تان بیرون کنند و آیین بهتر و برتر شما را از میان بردارند.» «قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى» (طه / ۶۶) «گفت: شما اول ببندازید. چنان به نظرش رسید که بر اثر جادوی ایشان، به ناگاه طناب‌ها و عصاهای آنان تند راه می‌روند.» «قَالَ بَلْ أَلْقُوا» موسی گفت: شما بیفکنید و پاسخ ادب را به ادب داد؛ و به جادوی ایشان اهمیتی نداد و از آن‌جا که ایشان به حضرت موسی پیشنهاد کرده بودند؛ که شما اول ببندازید و شروع کنید، حضرت موسی این نکته را دریافت که ساحران در ذهن خود تمایل دارند که نخست آنان شروع بکنند و گرایش دارند به این‌که آغازگر باشند؛ لذا حضرت موسی خواست آن تمایل باطنی ایشان را برآورده کند؛ و موسی این تمایل درونی آنان را از سخن ایشان که به موسی گفتند: نخست تو بیفکن دریافت کرد و ساختار را به شیوه رسا و بلیغ تغییر داد و گفت: (أنا ألقى ...) بلکه فرمود: «بَلْ أَلْقُوا» به همین جهت می‌گویند؛ ایمان ساحران در آخرت، مفید و مایه رستگاری و رهایی آنان خواهد بود، هرچند در دنیا آنان را مؤمن نشناسند؛ برخلاف ایمان منافق که برای دنیا است و در آخرت بی‌فایده است. «بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعَصِيُّهُمْ» تا هر ترفند و شگردی را که در اعمال جادو

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعرا، طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم دارند، آشکار سازند و تمام توش و توان خود را در این باره به کار ببندند، وقتی چنین کردند، خداوند قدرت خود را آشکار ساخت و با حق به باطل زد و آن را نابود کرد. باطل را با تخیل و توهم به دشمن و دژخیم مانند کرده است که در مقام جدال علیه حق، قد علم کرده است و می‌گوید خداوند با حق به باطل زد و مغز باطل را شکافت. «فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى» پس افکندند، پس ناگهان ریسمان‌هایشان در نظر موسی چنان نمودار شد که گویی جنب و جوش دارد. «وَأَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلْفَافًا مَّا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى» (طه / ۶۹) «و چیزی را که در دست راست داری، بیفکن تا همه ساخته‌های ایشان را به سرعت ببلعد؛ چراکه کارهایی را که کرده‌اند، نیرنگ جادوگر است و جادوگر هرکجا برود، پیروز نمی‌شود.» «وَأَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ» عبارت مذکور را مبهم بیان کرد و فرمود آنچه را در دست خود داری بیفکن و به صورت صریح نگفت عصایت را بیفکن یعنی: به شمار بسیار طناب‌ها و عصاهای آنان اهمیتی نده و عصای کوچک خود را که در دست داری و جرم کوچکی است، بینداز یا هدف بزرگداشت آن است یعنی به فرونی این اجسام و بسیاری آن توجه و اعتنا نکن؛ زیرا در دست چیزی داری که تأثیرش از همه این‌ها بیشتر است پس آن را بیفکن. «فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى» (طه / ۷۰) «به دنبال آن، جادوگران همگی به سجده افتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان داریم.» «فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى» به دنبال آن جادوگران سجده‌کنان درافتادند و گفتند به پروردگار هارون و موسی ایمان آورده‌ایم. «فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا» آن‌گاه جادوگران سجده‌کنان درافتادند، پس عصای موسی آن‌ها را بلعید پس برای جادوگران محقق شد که کار موسی {سحر نیست، بلکه معجزه‌ای از معجزه‌های خداوند است؛ پس وقتی که جادوگران این صحنه را مشاهده کردند، دیدن این صحنه باعث شد که آنان سرهاشان را به نشانه سپاس و سجود خداوند بر زمین افکندند به خاطر توبه و ندامت از آن‌چه که کرده بودند و به خاطر رجوع از اسائه ادب به خشنودی و طاعت خداوند و به خاطر بزرگداشت و تعظیم از مشاهده آن‌چه که دیدند. گفتند: «قَالُوا آمَنَّا

بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى» هارون را جلو انداخت به خاطر این که سن هارون از موسی بیش تر بوده است یا به خاطر فواصل آیات که جمله «أَمَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى» از عبارت موسی و هارون روان تر و آسان تر است؛ یا چون فرعون موسی را در کودکی تربیت کرده بود و اگر به یاد و نام موسی اکتفا می کرد یا نام موسی را جلو می انداخت چه بسا که به ذهن چنین افکنده می شد و چنین توهم می شد که منظور فرعون است و یاد کردن هارون بنا بر تبعیت و پیروی از فرعون می باشد. روایت شده است که وقتی سجده کنان بر زمین افتادند، خداوند جایگاهی را که در بهشت به آن خواهند رسید به آنان نمایاند. «قَالَ أَمْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمْ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَكَتَعْلَمَنَّ أَئِنَّا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى» (طه / ۷۱) «گفت: آیا پیش از آن که به شما اجازه دهم، بدو ایمان آوردید، مسلماً او بزرگ شما است؛ بزرگی که به شما جادوگری آموخته است. بی گمان دست هایتان و پاهایتان را عکس یکدیگر قطع می کنم و شما را بر فراز شاخه های درختان خرما به دار می آویزم. خواهید دانست که کدام یک عذابش سخت تر و پایدارتر است.» «إِنَّا أَمْنَا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (طه / ۷۳) «ما به پروردگاران ایمان آورده ایم تا ببخشاید گناهان ما را و جادوگری هایی را که بدان وادارمان می کردی. خدا بهتر و پایدارتر است.» «لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا» منظور از «خَطَايَانَا» کفر و گناهان است «وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ» در همآوردی با معجزه روایت شده اند که آنان به فرعون گفتند: موسی را درحالی که خوابیده است به ما بنمایان و فرعون چنین کرد و آنان دیدند که عصایش دارد از او نگهبانی می کند و با خود گفتند: این کار از قبیل جادوی جادوگران نیست؛ زیرا جادوگر هنگامی که بخوابد جادویش باطل می شود، اما فرعون گفت باید با او مبارزه کند.

۲-۱۰. سحر و ادبیات سورئالیسم

سورئالیسم یا فراواقعیت گرایی، بزرگترین مکتب هنری قرن بیستم فرانسه و یکی از مؤثرترین مکاتب هنری جهان به شمار می رود. التزام سورئالیسم یا فراواقعیت، در نتیجه

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعرا، طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم برنامه‌ها و روش‌هایی است که معمولاً غیر عادی‌اند؛ مانند نگارش خودکار، دید رازآلود نسبت به تمام عناصر هستی و ارتباط با آن، استفاده از بنگ و افیون و سایر مواد مسکر برای عبور از مرز خودآگاهی و دست‌یابی به ناخودآگاه، از این حیث، سورئالیسم در مجموع، آن‌چنان غیرعادی است که می‌تواند خارق‌العاده محسوب شود. چنان‌که اساس تعالیم آن بر «عقل‌گریزی» استوار است. در نظر سورئالیسم، عقل و منطق، آزادی را از تخیل انسان می‌گیرد و دریچه‌های کشف و الهام را به روی ناخودآگاه می‌بندد (سید حسینی، ۱۳۸۴: ۸۲۴).

۲-۱۱. تشابهات قرآن و سورئالیسم

سرچشمه این تشابهات، در تأثیرپذیری مستقیم سورئالیسم از قرآن و عرفان و برخی شیوه‌های آن نهفته است. چنان‌که آندره برتون اصلی‌ترین و مقاوم‌ترین بنیان‌گذار سورئالیسم - لویی آراگون، پل الوار و بزرگان دیگری از این مکتب، قرآن آشنا بوده‌اند (ثروت، ۱۳۸۵: ۲۷۰ و حدیدی، ۱۳۷۳: ۴۷۴). روند ارتباط و تشابهات صوری سورئالیسم با قرآن، به نظر می‌رسد ادامه طبیعی جریان برخی تأثیرپذیری‌های ادبیات اروپا - علی‌الخصوص ادبیات فرانسه - از ادبیات فارسی باشد. آشنایی آراگون (حدیدی، ۱۳۷۳: ۴۷۴) و ارمان رنو با قرآن می‌تواند در تقویت نظریه‌هایی که سورئالیسم را - البته با تسامح - از نوادگان عارفان می‌نامند (براهنی، ۱۳۷۱: ۱۹۸). مفید باشد. قید «تسامح» گویای یک حقیقت برجسته درباره تفاوت‌های اساسی این دو مکتب است. خلاصه اصول مشابه و نسبتاً مشترک قرآن و سورئالیسم عبارتند از:

- ≠ تمرکز در قرآن و متمرکز شدن ذهنی بر مکتب سورئالیسم.
- ≠ توجه به بطن قرآن، به‌منظور دستیابی به ضمیر ناخودآگاه از طریق تمرکز بر قرآن و نشانه‌های آن بر مکتب سورئالیسم.
- ≠ سُکر و شور و دلنشینی در قرآن و نشانه‌های آن بر مکتب سورئالیستی از طریق بنگ و افیون.
- ≠ بیان خودکار (سخنان عمیق و دقیق) در قرآن، نگارش خودکار در سورئالیسم.

≠ برگزیدن دید تازه و رازآلود به تمام عناصر جهان هستی و برقراری رابطه با جهان، در قرآن و مکتب سورتالیسم.

≠ توجه به «عشق عرفانی» (در مقابل عقل‌گریزی) در قرآن و مکتب سورتالیسم.

۲-۱۲. پشتوانه‌های سحر در قرآن

قرآن، مکتبی فکری و انسان‌گراست که اساس و اصول اندیشه‌هایش را از باورهای متعدد اقوام کهن و اندیشه‌های ریشه‌دار در آیین‌های مختلف چون یهودیت، مهرپرستی، زردشتی، مانوی، بودایی و نیز اسلام گرفته است؛ بنابراین پس از ظهور اسلام، تلاش اندیشمندان عرفان‌گرا در دوره‌های آغازین آن، تطبیق تعالیم اسلامی با دستاوردهای قرآنی بازمانده از قرون گذشته بوده است. برای اغلب داستان‌هایی که در منابع عرفانی به عارفی نسبت داده شده است، می‌توان مشابهتی در متون عرفانی آیین‌های مختلفی یافت. علاوه بر تأثیرات مسلم عرفان ایرانی - اسلامی از تعالیم بودا و مانوی پذیرفته است (نفیسی، ۱۳۸۵: ۲۹ - ۴۸ و ۱۰۵ - ۱۱۳). به نظر می‌رسد تأثیر اندیشه‌های اسلامی در ادبیات عرفانی ایران، بیش از آن مقداری است که تصور شده است. حتی تأثیر عهدین در اذهان عرفا تا حدی بود که باعث شد پیامبر اکرم (ص) حدیث «لا رهبانیه فی الاسلام» را، خطاب به برخی زهدگرایان آن دوره بفرمایند. بر اساس تعالیم قرآن کریم و استنادات صریح اسلامی، روح آدمی خود را در شناخت خویشتن، جهان هستی و آفریدگارش، به عنوان ذره‌ای از آفتاب حقیقت یا قطره‌ای از دریای جان، توانا می‌داند. برخی نظریه‌های مطرح در عرفان اسلامی، سرچشمه و حیاتی و قرآنی دارند و به تأسی از کتب مقدس وارد عرفان شده‌اند؛ از جمله سفرهای روحی و معراج‌هایی، از معراج پیامبر اکرم (ص) تأثیر پذیرفته‌اند. موضوع مورد بحث «سحر» از برخی معجزات پیامبران در قرآن و عهدین و روایات تقویت شده است؛ مانند سخن گفتن حضرت سلیمان (ع) با پرندگان و مورچگان و دیوان (۱۱/۳۴ و ۸۲/۲۱ و ۱۶/۲۷ - ۱۹)، نرم شدن آهن در دست حضرت داوود (ع) (۱۰/۳۴)، ملاقات و مکالمه حضرت موسی (ع) با پروردگار (۹/۲۰ - ۵۵ و ۱۶/۷)، شق القمر پیامبر اکرم (ص) (۱/۵۴)، خود قرآن کریم و اعجازهای چندگانه آن.

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعرا، طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم

۲-۱۳. سحر در متون سورئالیستی

در متون سورئالیستی دو دیدگاه به چشم می‌خورد:

الف) درباره سورئالیسم نیز، علاوه بر منظور کردن تأثیرات اسطوره‌های مذهبی آیین یهود، اسطوره‌های فرانسوی، یونانی، رومی و احتمالاً عربی (عوامل فرهنگی)، عوامل اجتماعی - سیاسی (جنگ جهانی اول)، عوامل فرهنگی مربوط به حوزه علوم تجربی (علم‌گرایی افراطی)، عوامل دینی (ناکارآمدی کلیسا در حل معضلات عصر جامعه اروپایی)، هنرمند سورئالیست را به جستجوی دنیای دیگری فراتر از دنیای واقعی، با جزئیات شگفت‌انگیز و خارق‌العاده سوق می‌دهد (بیگزبی، ۱۳۷۶: ۵۲).

ب) سورئالیست‌ها تحت تأثیر عقاید یونگ که «تقارن زمانی» (کشف) را در لحظات شور و هیجان، مانند لحظات تمرکز، عشق، نفرت، شوریدگی و... امکان‌پذیر می‌داند (یونگ، ۱۳۸۱: ۶). در برقراری ارتباط بین جهان عینی و ذهن، یا روح جهان، به موفقیت‌هایی رسیده‌اند که گاه در اثر تمرکزات ذهنی بوده است؛ اما شیوع فرا واقعیت‌گرایی و دستاوردهای آن، گاه منجر به استفاده از ابزارهای مضر و خطرناکی چون الکلی، مخدر و هیپنوتیزم و ... شده است. تأثیر دوگانه «خرق عادت» در متون سورئالیستی به قرار ذیل است:

۱ - خلق آثار سورئالیستی و غنی‌تر شدن بخش فرا واقع‌گرایانه ادبیات فرانسه و تأثیرگذاری عمیق آن بر ادبیات جهان در قرن بیستم و پس از آن.

۲ - روی آوردن به هر وسیله‌ای که حالت ناهشیاری و ناخودآگاهی را سریع‌تر و بادوام‌تر برای سورئالیست فراهم کند، مانند ژاک واشه که در اثر استعمال فراوان تریاک، در یک تصادف رانندگی می‌میرد (کوثری، ۱۳۸۳: ۵۷).

۳. نتیجه‌گیری

می‌توان از مقاله حاضر نتیجه گرفت که پیشینه ادبیات مربوط به سحر در ایران و فرانسه، به اسطوره‌ها، حماسه‌ها و متون دینی به‌خصوص قرآن مربوط می‌شود و منشأ سحر در قرآن و مکتب سورئالیستی، ارتباط با عوالم غیبی و دنیای درونی عناصر هستی

است. هم‌چنین انواع متعدد سحر در قرآن و مکتب سورئالیسم شامل (پیش‌گویی، غیب‌گویی و ...) ثبت شده است. عوامل اجتماعی در گرایش و توجه به سحر و خلق آثار ادبی مربوط به آن، در قرآن و سورئالیسم نقش مهمی داشته‌اند.

طبق مندرجات قرآن و سورئالیستی و پژوهش‌های مربوط به آن دو، عکس‌العمل‌های اجتماعی حاصل از سحر در دو گروه جای می‌گیرد: گروه اول: اقبال عده‌ای نسبت به گسترش این عقاید در خلال قرآن و ادبیات آن (رویکرد طبیعی و تعدیلی). گروه دوم: انحراف عده‌ای، در اثر توسل بیش از حد به شیوه‌های مختلف منجر به «سحر» (رویکرد افراطی) مانند خرافه‌پرستی و به تبع آن، بدبینی عده‌ای دیگر به سورئالیسم به دلیل بروز ناهنجاری‌های اجتماعی.

پی نوشت:

- ۱ - نخستین کسی که اصطلاح رئالیسم جادویی را به کار برد، آنحو کارپن تی بر، نویسنده کوبانی بود؛ که در مقدمه کتاب حکومت این جهان، ۱۹۴۹ به کار برده است.
- ۲- علوم خفیه شامل علوم سیمیا، لیمیا، هیمیا، ریمیا و کیمیا می‌باشد.
سیمیا: در این گونه سحر قوای ارادی انسان با قوای مادی مخصوصی هماهنگ می‌شود به آن چشم‌بندی نیز می‌گویند.
لیمیا: در این نوع سحر، قوای ارادی ساحر با ارواح قوی و عالی دیگر تماس می‌گیرد و به تسخیر خود در می‌آورد، همانند تسخیر ارواح اجنه.
هیمیا: در این قسم ساحر با ایجاد هماهنگی و ترکیب بین قوای آسمانی (عالم بالا) و بعضی از عناصر زمینی (عالم پایین) تأثیراتی را به وجود می‌آورد که به آن علم طلسمات می‌گویند.
ریمیا: استخدام قوای نامرئی مادی چیزی به وسیله ساحر که تأثیر شگفت‌انگیز و خارق‌العاده‌ای را به دنبال دارد و بینندگان از آن بی‌خبرند، این نوع سحر، شعبده نام دارد.
کیمیا: در این نوع سحر، ماده‌ای را با چند عنصر دیگر ممزوج می‌نمایند و آن ماده بر اثر گرما و سرما وضعیت ویژه‌ای پیدا می‌کند (تفسیر المیزان، جلدیک، ۳۶۵).

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعرا، طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم

منابع

الف) کتب

- ۱- قرآن کریم (۱۳۹۱)، ترجمه الهی قمشه‌ای، چاپ اول، تهران: چاپ هادی.
- ۲- انصاری، مرتضی، (۱۳۷۳)، مکاسب محرمة، سید محمد کلانتر، جلد یکم، تهران: انتشارات دارالحکمه.
- ۳- برازنده، مطلب، (۱۳۸۱)، رخنه در اسرار متافیزیک، مترجم تینا قیصری، چاپ اول، شیراز: انتشارات نوید.
- ۴- براهنی، رضا، (۱۳۷۱)، طلا در مس، ج ۱، چاپ اول، تهران: نویسنده.
- ۵- بیگزبی، سی؛ و. ای، (۱۳۷۶)، دادا و سورئالیسم، ترجمه حسن افشار، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- ۶- ثابت، عبدالفتاح صالح مبوط، (۱۹۹۷) الجامع فی احوال اللمس و السحر و الحسد، دارامیا بیروت: لبنان.
- ۷- ثروت، منصور، (۱۳۸۵)، آشنایی با مکتب‌های ادبی، چاپ اول، تهران: سخن.
- ۸- جر. خلیل، (۱۳۷۳)، فرهنگ لاروس، جلد دوم، ترجمه سید محمد طیبیان، تهران: انتشار امیر کبیر.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، تفسیر تسنیم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسراء.
- ۱۰- حاسب، محمد بن ایوب، (۱۳۷۱)، تحفه الغرایب، جلد یکم، به کوشش جلال متینی، تهران.
- ۱۱- حدیدی، جواد، (۱۳۷۳)، از سعدی تا آراگون، چاپ اول، تهران: مرکز دانشگاهی.
- ۱۲- حر عاملی، (بی تا). وسائل الشیعه، جلد هفدهم. قم: مؤسسه آل البیت.
- ۱۳- خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۹۳)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: انتشارات دوستان ناهید.
- ۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق- بیروت: دارالعلم- الدار الشامیه.

۱۵- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۱)، محاضرات فی الالهیات، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۱۶- سید حسینی، رضا، (۱۳۸۴) مکتب‌های ادبی، ج ۱ و ۲، چاپ دوازدهم، تهران: نگاه

۱۷- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۰) المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

۱۸- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان، چاپ سوم، جلد یکم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۱۹- کریشنان، رادا، (۱۳۴۴)، ادیان شرق و فکر غرب، ترجمه رضازاده شفق، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۰- کریمی، محمدرضا (۱۳۹۸)، درمان با قرآن، تهران: نشر گویا.

۲۱- کوثری، عبدالله، (۱۳۸۳)، سرگذشت سورتالیسم (مصاحبه با آندره برتون) چاپ دهم، تهران: نی.

۲۲- محمدابن عمر فخر رازی، (بی تا)، التفسیر الکبیر، قاهره، تهران: چاپ افست.

۲۳- مصطفوی، علی اصغر، (۱۳۸۸)، اسطوره قربانی، چاپ اول، تهران: انتشارات بامداد.

۲۴- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۳)، تفسیر نمونه، چاپ اول، جلد سیزدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۵- موسوی قزوینی، سید علی، (۱۴۲۴)، ینایع الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۶- نفیسی، سعید، (۱۳۸۵) سرچشمه تصوّف در ایران، چاپ دوم، تهران: اساطیر.

۲۷- هاکس جیمز، آمریکایی، (۱۳۷۷)، قاموس کتاب مقدس، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر.

۲۸- هدایت، صادق، (۱۳۲۶)، جادوگری در ایران، چاپ اول، جلد یک، تهران: انتشارات سینا.

بررسی تطبیقی سحر از منظر سوره‌های «اعراف، شعرا، طه» با تأکید بر مکتب سورئالیسم
۲۹- یونگ کارل گوستاو، (۱۳۸۱)، روانشناسی و شرق، ترجمه دکتر لطیف صدقیانی،
چاپ سوم، تهران: چاپ دیبا.

ب) مقالات

۱- رضایی، محمد علی (بهار ۱۳۸۹) «سحر از دیدگاه قرآن و علم»، فصل‌نامه کوثر
معارف، پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی، تهران. سال ششم، شماره ۱۳،
(۲۲ صفحه ۱۱۹-۱۴۰)

۲- عبدالله زاده، سید حمزه و همکاران (۱۳۹۷)، «بررسی تأثیر سحر بر پیامبر اکرم
صلی الله علیه وآله و سلم از دیدگاه مفسرین فریقین»، فصل‌نامه علمی مطالعات
تفسیری دانشگاه معارف اسلامی تهران. (۹۷ تا ۱۱۸)

